

# تأثیر امثال قرآن در ادب فارسی

مؤلف

حسن میدوی

www.ketab.ir

|                     |                                            |
|---------------------|--------------------------------------------|
| سرشناسه             | : حیدری، حسن، ۱۳۴۰                         |
| عنوان و نام پدیدآور | : تأثیر امثال قرآن در ادب فارسی/ حسن حیدری |
| مشخصات نشر          | : تهران: پرتوک، ۱۳۹۵.                      |
| مشخصات ظاهری        | : ۵۴۱ ص.                                   |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۹۴۱-۰۰-۵                       |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا                                     |
| موضوع               | : قرآن در ادبیات فارسی                     |
| موضوع               | : شعر فارسی -- تأثیر قرآن                  |
| شناه افزوده         | : شعبانی، محمدرضا، ۱۳۵۵.                   |
| ردی کنگره           | : ۱۳۹۵ ج ۹/ فنی/ ۳۴۴۲ PIR                  |
| رده‌بندی دیوینی     | : ۸۴۰/۹۳۱                                  |
| شماره کتابشناس      | : ۴۴۶۳۴۲                                   |



### شاسنامه کتاب

|                |                                 |
|----------------|---------------------------------|
| نام کتاب       | : تأثیر امثال قرآن در ادب فارسی |
| مؤلف           | : حسن حیدری                     |
| ویراستار       | : محمدرضا شعبانی                |
| ناشر           | : پرتوک                         |
| صفحه‌آرا       | : نسیم امیری                    |
| چاپ و صحافی    | : سورنا                         |
| قیمت           | : ۳۵۰۰۰ تومان                   |
| نوبت و سال چاپ | : اول/ ۱۳۹۵                     |
| شمارگان        | : ۱۰۰۰ نسخه                     |

## سخن به اشاره

کتابی که در پیش رو دارید؛ «تأثیر امثال قرآن در ادب فارسی» است، مؤلف آن استاد حسن حیدری، از دیگر علاقه‌زایدالوصفی به نگارش و تحقیق به چنین اثری داشتند؛ در زبان فارسی کتبی از این دست، که غلب مربوط به تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی باشد؛ کم و بیش چند اثری موجود است. نظیر «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» از دکتر علی‌اصغر حلبی، که البته در نوع خود کتاب عالی و عالمانه است و یا «تأثیر قرآن بر نظم فارسی» تألیف عبدالحمید حیرت سجادی و یا «د. قلمرو آفتاب» از دکتر علی‌محمد مؤذنی، هر یک حاوی فواید درخور و مفیدی است، اما کار این تأثیر امثال قرآنی بر ادب فارسی، آنهم به شکل کتابی مستقل، تا اندازه‌ای خالی بود است. که در این باره استاد حیدری تا آنجا که می‌دانم سالیان پیش اقدام به نگارش چنین اثری نمود که خوشبختانه هم‌اینک در دسترس همگان قرار گرفته است. گرچه تأثیر امثال قرآنی، خاصه کتاب ایشان در این باره به‌عنوان نخستین کتاب به زبان فارسی موضوعی تازه است و ابتکاری. با این همه می‌توان آن را در قلمروهای تطبیقی ادب عرب گسترش داد و کتاب را از اثری که هم‌اکنون در دست است؛ پربارتر نمود و به شواهد عربی و آنچه منتقدان نقد ادبی بدان

ادب موازنه‌ای می‌گویند، مزین کرد. با این وجود از آنجا که راه تازه، ممکن است کم و کاستی‌هایی داشته باشد؛ بنابراین باز جای خوشوقتی است، که چنین اثری که مؤلف آن زحمت فراوان در تهیه نمونه‌ها و امثله بر خود وارد ساخت؛ انتشار یافته و در دسترس علاقمندان گذاشت.

از آنجا که آیات قرآنی و شواهد ادب فارسی اعم از نظم و نثر در این اثر، فراوان و به کرات کارفته است؛ در طریقه رسم‌الخط کتاب سعی در اعتدال شیوه کتابت را از دست نداده و سعی نمودیم موارد اتصال و انفصال نویسی را تا آنجا که به عادت چشمی یکی دو نسل قبل و حاضر خالی ماند نسازیم در نگارش کلمات و ساختار و جمله‌بندی عبارات، تابع همان موازینی که اعراب، نویسندگان برجسته و صاحب قلمان ادب، بدان خوگر هستند؛ باشیم. امید است کتاب مورد توجه و سعادت خوانندگان گرامی واقع شود و برای مؤلف محترم کتاب، توفیق روزافزون در تالیف و تصانیف فرهنگی و دانش از درگاه باری تعالی خواستاریم.

محمد رضا شعبانی

## فهرست مطالب

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۱۵  | مقدمه                                        |
| ۲۳  | مداخل                                        |
| ۲۳  | شناخت قرآن کریم                              |
| ۵۱  | انواع روش‌های استفاده از مفاهیم قرآن کریم    |
| ۷۱  | فصل اول: امثال در بستر تاریخ                 |
| ۷۳  | مفهوم مثل و تفاوت آن با مثل                  |
| ۷۵  | برخی از آراء بزرگان در باب امثال قرآن        |
| ۸۰  | خواص و منافع مثل                             |
| ۸۷  | مثل و مفهوم آن در قرآن کریم                  |
| ۹۳  | نگاهی به ضرب‌المثل و تمثیلات در نزد ملل دیگر |
| ۱۰۰ | امثال فارسی مقتبس از قرآن                    |
| ۱۰۷ | فصل دوم                                      |
| ۱۰۹ | الف) امثال واضحه                             |
| ۱۱۰ | ب) امثال سائره                               |
| ۱۱۰ | ج) امثال کامنه                               |

- موضوع مثل: تمثیل خدا در حق منافقان (آتش)..... ۱۱۱
- موضوع مثل: تمثیل خدا در حق منافقان (رگبار)..... ۱۱۸
- موضوع مثل: تمثیل خدا به پشه ..... ۱۲۲
- موضوع مثل: سنگدلان (قلوب قاسیه و سنگ)..... ۱۲۷
- موضوع مثل: تمثیل مثلث (کوران و کران و گنگان)..... ۱۳۲
- موضوع مثل: تخم انفاق هفتصد تخم عمل می کند ..... ۱۳۵
- موضوع مثل: باران تند و خاک روی سنگ ..... ۱۴۰
- موضوع مثل: عسی و آدم ..... ۱۴۵
- موضوع مثل: کشت زار و باد سموم ..... ۱۵۱
- موضوع: تعلیق مرء به مثال (شتر و سوراخ سوزن)..... ۱۵۵
- موضوع: زمین بارور و زمین وره زار (زمین خوب و زمین بد) ..... ۱۶۰
- موضوع: زندگی و باران رگبار ..... ۱۶۸
- موضوع: کور و کر، بینا و شراب ..... ۱۷۴
- موضوع: خواستار آب که هرگز بدان برسد ..... ۱۷۷
- موضوع مثل: آب و کف (حق و باطل) ..... ۱۸۱
- موضوع مثل: بهشت و دوزخ ..... ۱۸۴
- موضوع مثل: خاکستر و تندباد ..... ۱۸۶
- موضوع مثل: درخت خوب و درخت بد ..... ۱۹۰
- موضوع مثل: ساکنین خانه های ستمکاران ..... ۱۹۵
- موضوع مثل: مثل نیک و مثل بد ..... ۱۹۸
- موضوع مثل: بنده و آزاد ..... ۲۰۰
- موضوع مثل: گنگ و سخنور ..... ۲۰۳
- موضوع مثل: ناسپاسی داده ها ..... ۲۰۴
- موضوع مثل: دست بسته و گشاده دست ..... ۲۰۸
- موضوع مثل: زندگی و باران ..... ۲۱۵
- موضوع مثل: انسان ستیزه گرتر از هر چیز ..... ۲۲۰
- موضوع مثل: مگس ..... ۲۲۴

- موضوع مَثَل: نور یا چراغ و چراغدان ..... ۲۲۸
- موضوع مَثَل: سراب ..... ۲۳۹
- موضوع مَثَل: امثال دربارہ پیغمبر (ﷺ) ..... ۲۴۲
- موضوع مَثَل: عنکبوت ..... ۲۴۵
- موضوع مَثَل: بندگان زر خرید ..... ۲۴۸
- موضوع مَثَل: وعده خدا راست است ..... ۲۵۰
- موضوع مَثَل: استخوان پوسیده ..... ۲۵۳
- موضوع مَثَل: مرد منفرد و مرد با شریک ..... ۲۵۷
- موضوع مَثَل: سرگذشت پیشینیان ..... ۲۶۱
- موضوع مَثَل: دختر ..... ۲۶۵
- موضوع مَثَل: روان حق و پیروان باطل ..... ۲۶۸
- موضوع مَثَل: بهر آب و نہرهای آن ..... ۲۷۰
- موضوع مَثَل: پیروندی و رنجی گیاهان ..... ۲۷۵
- موضوع مَثَل: غیبت و خوار شدن گوشت برادر مرده ..... ۲۸۰
- موضوع مَثَل: زندگی در بازارهای بیشتر نیست ..... ۲۸۳
- موضوع مَثَل: عظمت قرآن ..... ۲۸۹
- موضوع مَثَل: حمار ..... ۲۹۳
- موضوع مَثَل: زنان بد و شوهران خوب ..... ۲۹۸
- موضوع مَثَل: زنان خوب ..... ۳۰۰
- موضوع مَثَل: کزان و راستان ..... ۳۰۴
- موضوع مَثَل: می سر به مهر ..... ۳۰۶
- موضوع مَثَل: کافر نادان پست تر از حیوان ..... ۳۰۸
- موضوع مَثَل: ناسپاسی مردم ..... ۳۱۱
- موضوع مَثَل: با پای خود به گور رفتن ..... ۳۱۶
- موضوع مَثَل: دشمن خود را خوار شمار ..... ۳۲۰
- موضوع مَثَل: یک دست صدا ندارد ..... ۳۲۴
- موضوع مَثَل: آشتی و دوستی ..... ۳۲۹

- موضوع مثل: تعاون و همکاری ..... ۳۳۱
- موضوع مثل: خدا یکی یار یکی ..... ۳۳۳
- موضوع مثل: هر کجا آبست آبادانی است ..... ۳۳۷
- موضوع مثل: بد برای بد و خوب سزاوار خوب است ..... ۳۳۹
- موضوع مثل: کس نگوید که دوغ من ترش است ..... ۳۴۴
- موضوع مثل: بر نابینا قلم نرفت ..... ۳۴۷
- موضوع مثل: عدل ..... ۳۵۰
- موضوع مثل: بدلان خاموش و خر در عرعر است ..... ۳۵۵
- موضوع مثل: دو پادشاه در اقلیمی نگنجند ..... ۳۵۸
- موضوع مثل: مسورت ..... ۳۶۲
- موضوع مثل: مومنان با هم برآیند ..... ۳۶۷
- موضوع مثل: کار خدا را بازدار نه نباشد ..... ۳۷۰
- موضوع مثل: رنگ رخسار گواهد دهد از سه ضمیر ..... ۳۷۴
- موضوع مثل: عالم بی عمل واعظ خیر معانی ..... ۳۷۷
- موضوع مثل: از پی هر گریه آخر خنده آید ..... ۳۸۳
- موضوع مثل: به من فکر کنی به تو فکر می کنم ..... ۳۹۳
- موضوع مثل: از کوزه همان برون تراود که در اوست ..... ۳۹۹
- موضوع مثل: کارها را کارفرما می کند ..... ۴۰۴
- موضوع مثل: نیکی کردن پاداش آن ده برابر است ..... ۴۰۸
- موضوع مثل: میثاق (عهد و پیمان) ..... ۴۱۱
- موضوع مثل: صبغه الله (رنگ آمیزی خدا) ..... ۴۱۵
- موضوع مثل: نفس ..... ۴۱۸
- موضوع مثل: همه چیز چشمنده مرگ است ..... ۴۲۳
- موضوع مثل: لطافت دل ..... ۴۲۸
- موضوع مثل: حق گرفتنی است ..... ۴۳۳
- موضوع مثل: صبر ..... ۴۳۶
- موضوع مثل: میانه روی ..... ۴۴۲

- موضوع مثل: آرامش دل ..... ۴۴۸
- موضوع مثل: حرکت و برکت ..... ۴۵۷
- موضوع مثل: ارتکاب گناه ..... ۴۶۴
- موضوع مثل: هر نیک و بدی صلاحی در آن است ..... ۴۶۹
- موضوع مثل: سَمَاعُون (جاسوسان) ..... ۴۷۳
- موضوع مثل: تکذیب کردند (دروغ گفتند) ..... ۴۷۶
- موضوع مثل: سزای بدی، بدی است ..... ۴۷۸
- موضوع مثل: نیکی سزای نیکی ..... ۴۸۰
- موضوع مثل: اعتدال ..... ۴۸۳
- موضوع مثل: کمک به ظالم ستم به نفس خویش است ..... ۴۸۷
- موضوع مثل: حارِسط ..... ۴۸۹
- موضوع مثل: هلهت به گنه کاران ..... ۴۹۰
- موضوع مثل: از مار ناید خور مار بچه ..... ۴۹۳
- موضوع مثل: عیسی به سین بود، موسی به دین خود ..... ۴۹۷
- موضوع مثل: گناه دیگری بر تو حواله نوشت ..... ۵۰۱
- موضوع مثل: انسان با کوشش به سر می‌رسد ..... ۵۰۴
- موضوع مثل: نمک به حرامی ..... ۵۱۰
- موضوع مثل: از خدائیم و به سوی خدا باز می‌گردیم ..... ۵۱۴
- موضوع مثل: آدمی یکبار پایش به چاله می‌رود ..... ۵۲۲
- معانی لغات مشکله ..... ۵۲۵
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۵۳۵
- الف) تفاسیر و احادیث ..... ۵۳۵
- ب) دواوین شعراء ..... ۵۳۷
- ج) فرهنگ‌ها و سایر کُتب ..... ۵۳۸

## مقدمه

خَقَّ مَثَلٌ رَأَى مَرَّ جَا بَجَاش  
می‌کند معقول را محسوس و فاش  
تا که درین مَثَل از مَثَل  
آنچه مقصود است بی نقص و خلل<sup>۱</sup>

آنچه را که در لسان اهل ادب «مثل» تعبیر کرده‌اند عبارت است از شباهت امری به امری یا چیزی به چیزی، تا آن فیده معنوی حاصل گردد. در اکثر کتاب‌های لغت به اختلاف لهجت، مثال به همین معنی آمده است. مبرّد<sup>۲</sup> که از پیشوایان علم ادب است مثل را چنین تریف کرده:

الْمَثَلُ مَاخُذٌ مِنَ الْمَثَالِ وَهُوَ قَوْلٌ سَائِرٌ يُشَبَّهُ بِهِ حَالُ الثَّانِي بِالْأَوَّلِ وَالْأَصْلُ فِيهِ التَّشْبِيهِ<sup>۳</sup>.

۱. تفسیر صفی، چاپ پنجم، ص ۵۰۴.

۲. المبرّد: محمد بن یزید الثمانی الازدی امام لغت عرب در عصر خویش، متولد و متوفی در بغداد ۲۱۰-۲۸۶ هجری، مؤلف: «الکامل» و «اعراب القرآن» و «طبقات النحاة البصیرین»

۳. مجمع الامثال میدانی - مقدمه.

شریسی<sup>۱</sup> شارح مقامات حریری مَثَل را چنین تعریف نموده است:  
 المَثَلُ عبارةٌ عن تعریفٍ لا حقیقةَ لَهُ فی الظَّاهِرِ وَقَدْ ضَمَّنَ باطنُهُ الحِکْمَ  
 الشَّافِیَّةَ

«مَثَل عبارت از تعریفی است که حقیقتی در ظاهر ندارد ولی باطن آن  
 حکم سودمندی دارد.»

مَثَل غالباً از اشیاء و جامدات و اشجار و حیوانات و مانند آن حکایت می‌کند و  
 در آن ظاهر حقیقتی نیست ولی درون آن معانی عالیّه و تعلیم پر مغز نهفته است  
 که شنونده از آن کمّتی می‌آموزد یا فایدتی می‌اندوزد.  
 فوائد استعمال مَثَل در علم انّی و بیان بسیار است. زیرا مَثَل از خشکی و  
 تلخی پند و اندرز صریح می‌کاهد و خاطر را لذت و طبع را مسرت می‌بخشد، و  
 الفاظ قلیل، معانی کثیر مَنَدَرَج می‌نماید و از سخنان کوتاه اندیشه‌های ژرف  
 حاصل می‌گردد.<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر مَثَل و تمثیل لطیف‌ترین و زیباترین است برای برداشتن پرده از  
 چهره معقولات پنهانی و ابراز آن در عالم محسوسات  
 فخر رازی در تفسیر الکبیر می‌فرماید:<sup>۳</sup>

إِنَّ الغَرَضَ مِنَ المَثَلِ تَشْبِیهُ الحَقِّقِ بِالْجَلِّیِّ وَ الغائبِ بِالْبَیِّنِ فَيَتَأَكَّدُ الوُقُوفُ  
 عَلَى ماهِیَّتِهِ وَ یَسِرُّ الحَسَّ مُطَابِقاً لِلْعَقْلِ.

«غرض از مَثَل تشبیه مطلبی پوشیده و پنهان به مطلبی آشکار و نمایان

۱. الشریش، تاج‌الدین ابوالعباس القیسی الصوفی، متولد ۵۵۷ متوفی ۶۱۹ هـ

۲. حکمت، علی اصغر: امثال قرآن، چاپخانه مجلس، صفحه ۲.

۳. فخر رازی، تفسیر الکبیر، جلد ۲.

است که پی بردن به ماهیت آن را تاکید می کند. و نیز حس را مطابق عقل گرداند.»

امثال پرده از چهره رازهای نهانی برمی دارد و متخیل را به صورت متحقق جلوه گر می سازد. و نیز گفته اند: این روش پیامبران است که حکم را به صورت امثله بیان می داشتند زیرا نادان را توان درک مستقیم حقایق عقیده نیست. چون در مثل لطف و تأثیری است که در غیر آن نیست به همین جهت پیامبر اسلام بعضی از دهها و سخنان موعظه آمیز را به زبان تمثیل بیان فرموده است.

عش مثلاً در توضیح و تفسیر مباحث، نقش انکارناپذیری است و به همین دلیل در هر علمی برای اثبات حقایق و روشن ساختن و نزدیک نمودن آن ها به ذهن نیازمند به ذکر مثل می باشیم، گاه یک مثل بجا هنگامی که درست هماهنگ و منطبق با موضوع است، مطلب را از آسمان به زمین نزدیک می آورد و برای همه قابل فهم می سازد.

مضاف بر این می توان گفت: مثلاً در مباحث مختلف علمی، تربیتی، اجتماعی اخلاقی و غیر آن نقش های موثر و مفیدی را ایفا می کند.

بیهقی از ابو هویزه آورده که گفت: رسول خدا (ﷺ) فرمود:

«همانا قرآن بر پنج وجه نازل شد: حلال، حرام، حکم، متشابه و امثال،

پس به حلال عمل کنید و از حرام بپرهیزید و احکام را بوی کنید و به

متشابه ایمان بیاورید و به امثال عبرت بگیرید.»

ماوردی همچنین معتقدست<sup>۱</sup> از بزرگترین علوم قرآن دانستن امثال آن است،

۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن: الاتقان فی علوم القرآن (جلد دوم)، چاپ اول، ۱۳۶۳، انتشارات امیرکبیر، صفحه ۴۱۱.

ولی مردم از آن غفلت دارند، چون به امثال مشغول شده و مُمَثَّلها را توجه نمی‌کنند، حال آن‌که، مَثَل بدون مُمَثِّل همچون اسب بدون لگام و شتر بدون زمام است.

شافعی علم امثال را از جمله علوم قرآنی که بر مجتهد واجب است داشته وی می‌گوید: پس شناختن مثال‌هایی که در آن زده شده که بر طاعت خداوند دلالت نموده و معصیت او را بیان می‌کنند. مثال‌هایی که در قرآن زده شده امور بسیاری از آن است. <sup>۱</sup> می‌گردد: تذکر، موعظه، برانگیختن و بازداشتن و عبرت گرفتن و تقریری و نیز یک نمودن مقصود به عقل و تصویر کردن آن به شکل محسوس، زیرا که امثال معانی را به صورت اشخاص تصویر می‌نماید چون در ذهن پایدارتر می‌ماند بدین جهت ذهن با آن مثال‌ها از حواس کمک می‌گیرند و از اینجا است که منظور از مَثَل تشبیه است. <sup>۲</sup> ن پوشیده به آشکار و غایب به شاهد می‌باشد. و در مواردی امثال قرآن مشتمل بر بیان تفاوت پاداش است، و بر مدح و ذم و بر ثواب و عقاب، و بر بزرگ نمودن امری یا کوچک شمردن آن، و بر تحقق یافتن چیزی یا باطل کردن آن مشتمل می‌باشد.

راغب اصفهانی معتقدست: <sup>۳</sup> مثال زدن عرب‌ها و نذیر آوردن. علما اهمیت بسزایی دارد که پوشیده نیست، از جهت ابراز دقایقی مخفی و پر برداری از حقایق، متخیل را در شکل حقیقت، و پنداشته شده را بسان یقین عرضه می‌کند، و غایب را همچون حاضر ارائه می‌دهد، و در مَثَل زدن خصم سرسخت کوبیده

۱. به نقل از سیوطی جلال‌الدین عبدالرحمن: الاتقان فی علوم القرآن (جلد دوم)، ۱۳۶۳، صفحه ۴۱۲.

۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن: الاتقان فی علوم القرآن (جلد دوم)، چاپ اول، ۱۳۶۳، انتشارات امیرکبیر، صفحه

۴۱۲.

۳. معجم مفردات الفاظ القرآن، الراغب اصفهانی، دارالفکر، بیروت، صفحه ۴۸۱.

شده، و نیروی ظاهری شخص گستاخ درهم می‌شکند، زیرا که مثال آوردن در دلها چنان تأثیری دارد که وصف شی به تنهایی آن تأثیری ندارد، از همین روی خداوند در قرآن و دیگر کتاب‌های خویش مثال‌های بسیاری آورده است، و از جمله سوره‌های انجیل سوره‌ای است بنام سُوْرَةُ الْاَمْثَالِ، در سخنان پیغمبر اکرم (ﷺ) و در کلام پیامبران و حکما مثال‌های زیادی به چشم می‌خورد.

الْاَمْثَالُ فِي الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يُمَكِّنُ أَنْ تَنْدَرَجَ تَحْتَ ثَلَاثَةِ اَنْوَاعٍ:

اَمْثَالُ مَضْرَحَةٍ: وَهِيَ مَا صَرَّحَ فِيهَا بِلَفْظِ الْمَثَلِ أَوْ يَدُلُّ عَلَى التَّشْبِيهِ..... مِنْ مَثَلِ قَوْلِهِ تَعَالَى فِي حَقِّ الْمُنَافِقِينَ: مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا، فَلَمَّا أَتَتْهُ مَا حَوَّلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَّهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ، صَمٌّ بَكُمْ سَمًى ثُمَّ لَا تَاجَعُونَ، أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ.<sup>۱</sup>

اَمْثَالُ مَكْنُونَةٍ: ذِيْمَةُ الَّتِي لَمْ يُصَرِّحْ بِلَفْظِ التَّمْثِيلِ، وَلَكِنَّهَا تَدُلُّ عَلَى مَعَانٍ رَائِعَةٍ فِي الْإِيجَارِ، كَمَا رَأَيْنَاهُ وَقَعَ إِذَا نَقَلْتَ إِلَى مَا يُشَبِّهُهَا. مِنْ مَثَالِ قَوْلِهِ فِي الصَّلَاةِ:

وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ سَاعًا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا<sup>۲</sup>  
وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ<sup>۳</sup>  
وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا<sup>۴</sup>

اما النوع الثالث من الأمثال، كما وجدناها في القرآن، هي

۱. مجله عربی - چاپ مدینه.

۲. البقره ۱۷-۱۹.

۳. الاسراء - ۱۱۰.

۴. الاسراء - ۲۷.

۵. الفرقان - ۶۷.

الْأَمْثَالُ الْمُرْسَلَةُ: وَنَقَصْدُهَا الَّتِي أُرْسِلَتْ أَرْسَالاً مِنْ غَيْرِ تَصْرِيحٍ بِلَفْظِ التَّشْبِيهِ،  
فَهِيَ آيَاتٌ جَارِيَةٌ مَجْرَى الْأَمْثَالِ  
من مثل قوله تعالى «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»<sup>۱</sup>  
كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ<sup>۲</sup>

چنانچه در مدخل سخن مطرح گردید در این رساله سه نوع مَثَل را ذکر کردیم.

امثال واضح: امثال هستند که به نحوی از انحاء به مَثَل بودن با ذکر واژه مَثَل یا به کار بردن حرف (ک) و غیر تجسم می یابد. در این نوع، پنجاه مَثَل قرآنی ذکر گردیده است.

امثال سائره: امثالی هستند که معمولاً در محاورات و مکاتبات، شاهد مثال قرار می گیرند و در این نوع، سی مَثَل قرآنی ذکر شده است.

امثال کامنه: امثالی هستند که ظامراً عبارت صراحتی به مَثَل بودن آنها ندارد و واژه ای که دال بر مَثَل باشد در آن بکار نرفته است ولی از مفهوم آیه می توان جان مطلب یعنی مضمون مَثَل را بدست آورد و در این نوع بیست مَثَل قرآنی ذکر شده است.

شایسته است که این نکته متذکر گردد که انواع روش های استناد ادب فارسی از قرآن کریم را که در نوشته ذکر کرده ایم، این ها هستند: اشاره، تلمیح، تضمین، حل، اقتباس، توارد، تمثیل.

مطالعه قرآن کریم و امثالی که در اشعار شعراء با الهام از امثال قرآن در آن

گنجانیده شده است بر آن داشت تا امثال قرآن را جمع‌آوری نموده تاثیری را که این امثال در بالندگی و غنا بخشیدن به شعر فارسی داشته است و مایه افتخار ادب فارسی شده است به قدر وسع بیان دارم.

مایه و بضاعت اندک حقیر سبب شد چنانکه شایسته است نتوانم از عهده درک بیشتر ابیات پیچیده و مشکل شعرای طراز اوّل چون: مولانا، سنائی، عطار، خاقانی، نظامی، و ناصر خسرو برآیم.

انسان‌های را که تقریباً فهمش برای حقیر مقدور و معانیش با امثال قرآن مطابقه بیشتری داشت با اشاره به آیات (امثال) مورد نظر را مطرح ساختم.

اگر قرار بود تمام اشعاری را که کلمات و جملاتی از امثال قرآن در آنها به کار رفته در این رساله وارد شود می‌بایست بیشتر اشعار مولوی، عطار، جامی، و سنائی و دیگران در این مجموعه گنجانیده شود و این کار بس دشوار می‌شد.

شیوه تنظیم این رساله بدین گونه می‌باشد که ابتداء آیه‌ای از قرآن که دلالت بر مثل می‌باشد ذکر نموده، آن‌گاه مندرجات آن آیه یا آیات را نوشته و سپس ترجمه کرده و در صورتی که آن آیه شان زایل داشته آن را بررسی و سپس تاثیر این مثل قرآنی در ادب فارسی را مطرح نموده‌ام.

اینک که این رساله محقر، ساخته و پرداخته گشته و به اینت آیات قرآن شریف مزین یافته است، اگر چه مؤلف حقیر و فقیر در این تلاش و مجاهدت بسیار نمود ولی تالیف حقیر دولت کمال را فاقد است. بحمدالله تعالی در پرتو کلمات حقّ قدیم، شرف و مجد و بزرگواری حاصل کرده است.

نگارنده بعجز و بر نقص خویش اذعان دارد که این مجموعه خرد از سحاب آن کتاب قطره‌ای، و از آن آفتاب عالمتاب ذره‌ای بیش نیست. «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا

ثَابِتٌ وَفَرَعَهَا فِي السَّمَاءِ» ولی با همه رنج و مشقت بسیار، هنوز نقص و کاستی فراوان دارد. شاید که بزرگان و سروران معظم به دیده عفو و اغماض بر آن بنگرند تا ان شاء... نقایص مرتفع و عیوب زائل گردد.

خداوندا، آینه دل ما را به نور اخلاص روشنی بخش، و زنگار شرک و دویینی را از لوح دل ما، پاک گردان و شاهراه سعادت و نجات و خوشبختی را به ما بنما، و ما را به اتلاق کریمانه متخلّق فرما، لشکر شیطان و جهل را از مملکت قلوب ما خارج فرما، و بسوی عالم و حکمت و رحمان را به جای آن‌ها جایگزین کن، و در وقت مرگ و جدایی از این عالم، حمت خود رفتار فرما.

«رَبِّ لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (ال عمران: ۸۲)

والسلام

حسن حیدری

اسفند ماه ۱۳۷۳ شمسی

مطابق با ۱۰ مبارک رمضان ۱۴۱۵ قمری